



مجری موفق یا فوق العاده

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

● کوینسی مک کوی

موضوعاتی ارائه می‌کنند که برای شنونده‌ها اهمیت دارند و تنها همین است که به حساب می‌آید.

جی تامس می‌گوید: «من با استرن در نیویورک رقابت کرده‌ام. به نظرم استرن واقعا یک پدیده است. دقیقا می‌داند که شنونده‌های امروزی چه می‌خواهند بشنوند. او با شما خودمانی می‌شود و مستقیم به سراغ زندگی خصوصی شما می‌رود. اگر امروز در رادیو بودم، نمی‌توانستم او را شکست بدهم. این نبردی نیست که بتوان وارد آن شد.»

شخصیتهای بزرگ رادیویی امروز از

دیگران را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هر ایستگاه رادیویی و مجری موفق صدای خاص و منحصر به خود را دارد. این را وقتی می‌فهمید که به برنامه رادیویی **هاوارد استرن** گوش بدهید و یا ارتعاش خوشایند برنامه **داگ بنکز** روی شبکه رادیویی ABC را احساس کنید. این دو برنامه از نظر سبک و شیوه اجرا با هم کاملا متفاوتند، اما هر دو موفق و پرتعدادند، به این دلیل که هر دو شنونده‌های خود را سرگرم می‌کنند. بنکز و استرن هر دو خودمانی هستند و با مردم ارتباط برقرار می‌کنند. آنها طنز خود را در قالب

برای آنکه مجری موفق رادیو باشید، باید بدانید چگونه دیگران را سرگرم کنید. این چیزی است که شنونده‌ها انتظار دارند و به خاطر آن به شما حقوق داده می‌شود. باید محیطی را ایجاد کنید که بر نشاط و لذت زندگی شنونده‌ها بیفزاید. فرهنگ لغات قدیمی من کلمه شخصیت را چنین معنا می‌کند، یکی الگوهای عادت و کیفیتهای رفتاری هر فرد که با نگرشها و فعالیت‌های ذهنی وی ابراز می‌شوند و ویژگیهای متمایزکننده یک فرد از دیگران است که در مجموع مورد نظر است و معنی دیگر مجموع چنین ویژگیهایی که احتمالا

متنهای آماده و طنز چاپی استفاده نمی‌کنند. آنها برای تضمین جایگاه بالا در رده بندی ایستگاهها متکی به مسابقات یا برنامه‌های صبحگاهی احمقانه نیستند. امروز، شخصیت‌های بزرگ رادیویی به آنچه در دنیای واقعی می‌گذرد، علاقه‌مندند. درباره موضوعاتی صحبت می‌کنند که شنونده‌ها با آنها رابطه برقرار می‌کنند، چیزهایی مانند همسران، خانواده، همکاران، شغل، فیلمها، تلویزیون و وقایع جاری. این روزها شما باید پیش‌بینی ناپذیر باشید و هرگز تن به توقعات ندهید.

داگ بنکز برای یک دهه تمام بالاترین رده را در میان مجریان برنامه‌های زنده در شیکاگو داشت. او را بهترین مجری برنامه موسیقی رادیوهای شهری آمریکا می‌نامیدند و اخیراً با اجرای برنامه خود به نام نمایش داگ بنکز، که در سطح ملی پخش می‌شود، جان تازه‌ای به کار برنامه‌سازی در شبکه رادیویی شهری ABC بخشیده است. بنکز توانایی ویژه‌ای در برقراری ارتباط دارد، خیلی خوب شنونده‌ها را سرگرم می‌کند و در همه چیز زندگی روزمره نکات سرگرم‌کننده‌ای پیدا می‌کند.

بنکز می‌گوید: «بسیاری از مطالب من مبتنی بر حوادثی است که برای خودم اتفاق افتاده‌اند. در مورد بچه‌ها، درباره ازدواج و... صحبت می‌کنم، نمی‌خواهم که مردم فکر کنند من در دسترسشان نیستم. نمی‌خواهم شنونده‌ها احساس کنند نمی‌توانند با من ارتباط برقرار کنند. فکر می‌کنم برخی از مجریان چنین اشتباهی می‌کنند. می‌خواهم شنونده‌ها در پایان برنامه من حس کنند چیزی به دست آورده‌اند. اگر این چیز شوخی و طنز باشد، خیلی خوب است. اگر آنها را وادار به تفکر کرده باشم، خیلی خوب است، اما باید حتما چیزی به آنها داده باشم.

من خیلی خوش شانس بودم که در این دوران به عرصه رسیدم - گوش دادن به رادیو در دهه شصت و شروع به کار در دهه هفتاد - دورانی که در آن کسانی که با آنان

کار می‌کردم شخصیت داشتند. چون درست پس از دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد مجریان بسیاری بودند که فقط از روی متنهای آماده شده می‌خواندند. آنها نمی‌توانستند واژه شخصیت را تلفظ کنند، چه رسد به آنکه خودشان یک شخصیت باشند. آنها فقط برای عمل در یک چارچوب خاص وارد این شغل شده بودند. فکر نمی‌کنم اگر در آن دوران خواندن متن آماده، وارد این کار شده بودم می‌توانستم دوام بیاورم و ادامه بدهم.»

گرم صحبت کردن حالتی است که انتقال آن به شنونده برای مجری دشوارتر از همه است. این استعداد را برخی افراد به‌طور طبیعی دارند و برخی دیگر ندارند. در ورزش، آن را شور و اشتیاق برای بازی

رهایی بخش تر از آن لحظه اولی نیست که به تنهایی شروع به اجرای یک برنامه زنده می‌کنید: دیگر صدای دیگران را تقلید نمی‌کنید و همه لغزشگاههای یک اجرای ضبط شده از میان رفته‌اند. حقیقتاً وارد یک ارتباط تک به تک شده‌اید. می‌توانید هر نوع احساسی را منتقل کنید بدون آنکه شنونده تصور کند که او را فریب می‌دهید.

یک موفقیت بزرگ

فرق مجری خوب با مجری فوق‌العاده چیست؟ در ۱۹۷۵، وقتی که با بیل ترنر، برنامه‌ساز افسانه‌ای ایستگاه رادیویی Y-100 در میامی کار می‌کردم، به این سوال من پاسخی داد که هرگز فراموش نکرده‌ام. ترنر گفت: «مجری خوب مثل یک گوی فلزی

امروزه مجریان و شخصیت‌های بزرگ رادیویی از متنهای آماده و طنز چاپی استفاده نمی‌کنند، بلکه به آنچه در دنیای واقعی می‌گذرد، علاقه‌مندند و درباره موضوعاتی صحبت می‌کنند که شنونده‌ها با آنها رابطه برقرار می‌کنند.

کوچک است که راحت روی یک قالیچه خرسک می‌غلند. سرعتش به تدریج بیشتر می‌شود و مستقیم تا انتهای مسیر می‌رود. قالیچه خرسک نمادی از شنونده‌ها است که در هنگام عبور گوی فلزی یک لحظه خم می‌شوند تا گوی رد شود، بعد مثل پرزهای قالیچه دوباره به حالت اول خود بازمی‌گردند.»

ترنر ادامه داد: «اما مجری فوق‌العاده همان گوی فلزی است که آن را با یک قطعه صمغ چسبناک کرده‌اند. حالا وقتی آن را روی قالیچه می‌غلانید، کندتر حرکت می‌کند، مسیری سخت و ناهموار دارد و زمانی که به انتهای مسیر می‌رسد قطعاتی از پرز قالیچه به آن چسبیده‌اند. این قطعات پرز همان شنونده‌ها هستند، که دوباره و چندباره به این مجری گوش می‌دهند و او را رها نمی‌کنند.» شما از کدام دسته مجریان

می‌نامند. در رادیو، مجری باید حد بالایی از این ویژگی را داشته باشد تا بتواند در مورد موسیقی یا موضوعات اجتماعی، شنونده را متقاعد کند که حرف او درست است. داشتن این ویژگی به خود واقعی شما بستگی دارد. هیچ‌کس نمی‌تواند این گرمی و صمیمیت و اشتیاق را به‌طور مصنوعی ابراز کند و دیگران را متقاعد کند.

در دوران کار مجری‌گری ام، تکیه‌گاه من - که آن را هنوز هم به مجریان دیگر توصیه می‌کنم - کتابی است به نام **بازیگر آماده می‌شود اثر کنستانتین استانیسلاوسکی**. شیوه بازیگری استانیسلاوسکی به شما یاد می‌دهد که به محرکهای عاطفی، فیزیکی و روانی به شیوه‌ای تازه واکنش نشان دهید، شیوه‌ای که قابل تقلید نیست چون از درون شما سرچشمه می‌گیرد. هیچ چیز

هستید؟ در ایستگاه خودتان به کدام نوع از آنها نیاز دارید؟

شخصیتها- و ایستگاههای رادیویی موفق دارای شخصیت- چیز خاصی دارند که شنونده‌ها را جذب می‌کند. به ایستگاه رادیویی محبوب خود فکر کنید و اینکه چقدر برایتان اهمیت دارد که هر روز برای دریافت یک روز هیجان و انرژی که به زندگی افزوده می‌شود، به برنامه‌های آن گوش بدهید.

مارشال مک‌لوهان، در کتاب تاریخ ساز خود، درک رسانه‌ها، رادیو را «یک تجربه شخصی» نامید. او نوشت که رادیو با ایجاد امکان یک رابطه تک به تک میان شنونده و گوینده برنامه، تأثیری عمیق بر مخاطب می‌گذارد. رادیو قدرتی جادویی دارد که با آن نقاط دور دست- و گاه فراموش شده- ذهن ما را تحریک می‌کند. برنامه هالووین سال ۱۹۳۸ اورسن ولز، به نام جنگ دنیاها، در مورد هجوم مریخها به زمین، نمونه‌ای کلاسیک برای نشان دادن قدرت رادیو است. هیتلر از رادیو برای تسلط بر آلمان استفاده کرد؛ وینستون چرچیل هموطنان انگلیسی خود را با استفاده از رادیو متحد کرد تا در تمام دوران بمباران از سوی نازیها به مبارزه ادامه دهند؛ روزولت با استفاده از برنامه خود در رادیو، موسوم به **گپهای کنار آتش** توانست توجه تمام آمریکاییها را به موضوع حضور کشورشان در جنگ جهانی دوم معطوف کند.

شخصیت، قلب و روح رادیو است و نیز جزئی از کار رادیو که حفظ آن به شکل مستمر بسیار دشوار است. باز بنت، برنامه‌ساز بسیار مشهور رادیو، مشاور رادیوها و آینده‌گرا (فتوریست)، چنین شکوه می‌کند: «فرایند تعاملی ناشی از حضور یک فرد دارای شم کار رادیویی، امروز دیگر در رادیو وجود ندارد. سابقا نسخه‌های برنامه زنده، با متن آماده، مفاهیم و مسابقاتی را داشتیم که فرایند تعامل با شنونده را تقویت می‌کرد. شنونده‌ها آنچه را که از درون شما بیرون می‌آمد احساس می‌کردند، آنچه را شنونده‌ها در رادیو

می‌یافتند یک دوست بود و از آنجا به بعد، یک رابطه پایدار منجر به افزایش زمان صرف شده برای گوش دادن (TSL) می‌شد. امروز در اغلب موارد، رادیو چنان «سطحی» است که شنونده‌ها فقط فرمولها را از آن می‌شنوند.»

شاید دشوارترین بخش دستیابی به

دشوارترین بخش دستیابی

به موفقیت‌های بزرگ در

عرضه اجرا، حفظ عطش

دانستن و یاد گرفتن است،

شوق مداوم شما برای

دانستن شما را برتر، روزآمد

و در یک کلام تبدیل به کسی

می‌کند که مرجع نقل قول

است.

موفقیت‌های بزرگ حفظ عطش دانستن و یاد گرفتن باشد. این معنی حفظ ارتباط با آخرین دستاوردها در زمینه‌های فنی و مفاهیم و جذب هر ایده موثر و کارآمدی است که متفکران راهبردی و انگیزه‌بخش مطرح می‌کنند. یک برنامه یادگیری فردی تدوین کنید و شکافهای موجود در مهارت‌هایتان را پر کنید. اهداف هوشمندانه قطعا اختصاصی، قابل سنجش و دست‌یافتنی هستند. شوق مداوم شما برای دانستن شما را برتر، روزآمد و در یک کلام تبدیل به کسی می‌کند که مرجع نقل قول است. این نوع اشتیاق مسری است و باعث ارتقای همکاران، و همراه با آنان تمام سازمان شما می‌شود.

سه اصل مهم

سه اصلی که بیشتر به آنها اشاره شده یعنی «تمرکز»، «حفظ ظاهر» و «اطمینان»

(اعتماد به نفس)، ممکن است به سادگی با سه اصل دیگر «توجه»، «انعطاف‌پذیری» و «اعتقاد» اشتباه شوند چون با هم ارتباط متقابل دارند. تمرکز بدون توجه ممکن نیست. بدون انعطاف‌پذیری نمی‌توان حفظ آرامش کرد و از عهده کنترل عواطف برآمد. و بدون اعتقاد داشتن- یعنی داشتن ارتباط معنوی یا عاطفی با دیگران- کسب اطمینان و اعتماد به نفس امکان ندارد. آنها را هر چه بنامید مهم نیست. آنچه مهم است به خاطر داشتن این نکته است که هرکس دارای این قدرتهای روحی و ذهنی باشد ابزار برنده شدن را در اختیار دارد.

تمرکز

تمرکز- توجه کامل به زمان حال- همان جایی است که در آن هماهنگی میان ذهن و جسمتان را خواهید یافت و به حالتی از هشیاری فوق‌العاده دست پیدا خواهید کرد. وقتی واقعا متمرکز باشید، قدرت شما برای درک محیط و پاسخ دادن به محرکهای آن افزایش می‌یابد.

مایکل جردن، استیو جابز و هوارد استرن همگی از طریق قدرت تمرکز به اوج کارایی خود رسیده‌اند. برای جردن، این اوج، دادن یک پاس عالی به بازیکن خودی در یک موقعیت دشوار است؛ برای جابز، یک شیوه تفکر متفاوت و خلاقیت خارج از چارچوب است؛ برای استرن، توانایی او برای الهام بخشیدن به اعضای گروه در جهت پیروی از نگرش او و تسخیر تخیل میلیون‌ها شنونده در هر روز است.

تمرکز و توجه کمک می‌کند به آن سطح ناخودآگاهی برسید که در آن ذهن شما همه گزینه‌ها را اسبک و سنگین می‌کند، گزینه درست را می‌یابد، آن را به صورت فرمان به عضلات شما منتقل می‌کند و باعث یک اتفاق می‌شود. رادیو رسانه‌ای زنده است، وقتی روی آنتن هستید، باید در همان لحظه حضور داشته باشید. وقتی بر مبانی کارتان تسلط یافتید، احتمال اینکه ترس یا اضطراب باعث حواس‌پرتی شما بشود به حداقل می‌رسد. در سمت مجری، من وقتی بهتر کار می‌کردم که ذهنم شفاف

بود؛ همه عوامل پراکندگی ذهن را از میان می‌بردم و در مورد هیچ چیز به جز دستورآن برنامه- سرگرم کردن، در هر زمان یک مجموعه- فکر نمی‌کردم.

حفظ آرامش

قبلاً، به اولین باری اشاره کردم که در رادیو کاملاً احساس راحتی داشتم. آنچه بدان اشاره نکردم این نکته بود که در آن هنگام چقدر از نظر روانی راحت بودم. وقتی به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم که چگونه کاری که صرف مقدماتی مانند آماده‌سازی و تبلیغ قبل و بعد از پخش کردم، با شیوه ابتکاری اجرای برنامه‌هایم در هم آمیخته شد. همچنان چشم به آن داشتم که مجری برنامه زنده شوم، زیرا می‌توانستم خودم را کاملاً در جریان اجرای برنامه گم کنم. به معنای واقعی کلمه خودم را با هر لحظه، ضربه و ریتم برنامه درهم می‌آمیزم. برای این کار، ذهن و جسمم باید انعطاف‌پذیر و پذیرنده همه محرکهای ورودی باشند. پس از چهار ساعت کاملاً خسته می‌شدم، اما بر اثر ترشح ناگهانی آدرنالین هنوز مانند یک بادبادک در اوج باقی می‌ماندم.

بهترین راه برای تکوین و حفظ آرامش در محیط در حال تغییرات سریع رادیوی امروز، رهاکردن همه مفاهیم کنترل است. این فکر مسخره است که هرکسی می‌تواند برای همه وقایع محتمل برنامه‌ریزی کند. اما این را باید فهمید که اگر انعطاف‌پذیر باشید در هر تغییر فرصتی وجود دارد. برای آنکه از عهده تحمل شرایط پر از استرس برآیید، توصیه می‌کنم در کلاسهای تمرین تمرکز، «آکیدو» یا «تای چی» شرکت کنید. من از یک سال قبل که حضور در کلاس تای چی را آغاز کرده‌ام هیچ چیز غیر از نتایج مثبت را تجربه نکرده‌ام. تنها مایه تاسف من آن است که چرا این کار را زودتر شروع نکردم. اما دیر شروع کردن بهتر از هرگز شروع نکردن است، مخصوصاً اگر بخواهید پذیرنده، آماده فایده رساندن و دارای واکنش مثبت به تغییر باقی بمانید.

هیتر از رادیو برای تسلط بر آلمان استفاده کرد؛ وینستون چرچیل هموطنان انگلیسی خود را با استفاده از رادیو متحد کرد تا در تمام دوران بمباران از سوی نازیها به مبارزه ادامه دهند؛ روزولت با استفاده از برنامه خود در رادیو، موسوم به گپهای کنار آتش توانست توجه تمام آمریکاییها را به موضوع حضور کشورشان در جنگ جهانی دوم معطوف کند. اینها نمونه‌هایی کلاسیک برای نشان دادن قدرت رادیوست.

نکات را به صورت مداوم و صادقانه پیشنهاد می‌کند، اما من توصیه می‌کنم گروهی متشکل از هنرمندان و افراد خلاق تشکیل دهید که نقطه اشتراک آنها تمایل به کاربردی کردن خلاقیتشان باشد.

و اما آخرین و بی‌اهمیت‌ترین نکته آنکه، پیوند معنوی، امتیاز و پاداشی است که ثبات عاطفی و صبر و طاقت را در شما تقویت می‌کند.

منبع:

این مقاله ترجمه فصل دهم کتاب زیر است.

McCoy, Quincy. (1999). **No Static: A Guide to Creative Radio Programming.** San Francisco: Miller Freeman Books.

اطمینان
آدمهای خلاق مثل هنرپیشه‌ها، موسیقیدانان و مجریان رادیو، بخشی از وجود خود را در هر نوبت اجرای برنامه در معرض خطر قرار می‌دهند. بدون اطمینان و اعتماد به نفس، تنش ناشی از این آسیب‌پذیری مکرر تقریباً قابل تحمل نخواهد بود. پیشنهاد می‌کنم که برای کسب اطمینان از تمامی منابع ممکن استفاده کنند. با اطمینان از مطمئن بودن این سیر را آغاز کنید.

اطمینان حاصل آمادگی و داشتن قدرت روانی برای تفکر مثبت است. همه هنرمندان نیاز به یک محیط حمایتی خلاق دارند که به آنان کمک می‌کند پتانسیل خود را به حداکثر برسانند و از پذیرش خطر دچار هراس نشوند. به شکل آرمانی، مربی به شما



تنوع در محتوا و موسیقی نیاز امروز رادیو



گفت‌وگو با دکتر کاظم معتمدنژاد استاد دانشگاه علامه طباطبایی

اطلاع‌رسانی در خصوص وقایع جدیدی که در دنیا رخ می‌دهد از جمله این موارد است.

□ مسئله‌ای که رادیو در حال حاضر با آن مواجه است این است که این رسانه، زمانی رسانه مسلط جامعه بوده و مخاطبان فراوانی داشته، اما اینک با تعدد وسایل ارتباطی، با افت مخاطب شدیدی مواجه است؛ در حالی که موقعیت تلویزیون این‌گونه نیست و آمارهای رادیویی کشورهای دیگر هم چنین افت مخاطبی را نشان نمی‌دهد. به نظر شما، اشکال در کجاست؟

○ این شرایط، پیچیده و بغرنج است و بررسی آن نیاز به کار تحقیقاتی دارد و صرفاً سوال کردن از متخصصان و محققان کافی نخواهد بود. باید ریشه‌های

سرگرم‌کنندگی داشته باشد؟
○ خیر و حتی نباید برنامه‌های طولانی داشته باشد که افراد را خسته کند. در حال

**رادیو و تلویزیون باید بتوانند
تأثیر فرهنگی بگذارد و برای
اصلاح شرایط، تا آنجا که به
موازین فرهنگی و مذهبی
لطمه نمی‌زند، اصولی را
رعایت و بقیه زواید را حذف
کنند.**

حاضر، موارد بسیاری وجود دارد که می‌تواند برای عامه جاذبه داشته باشد. معرفی تازه‌ترین اختراعات و

□ آقای دکتر! چقدر به رادیو گوش می‌دهید؟

○ من، چه هنگامی که در منزل، مشغول انجام دادن کارهایم هستم و چه هنگام رانندگی، به رادیو پیام گوش می‌دهم و فقط در مواقعی که موسیقی نامناسب داشته باشد و یا زیاد آگهی پخش کند، رادیو را خاموش می‌کنم.

□ به نظر شما این عبارت که می‌گویند «رادیو رسانه روشنفکران است» تا چه حد صحت دارد؟

○ این موضوع در اکثر کتابهای مربوط به جامعه‌شناسی ارتباطات مطرح است که تحصیل کرده‌ها کمتر به تلویزیون نگاه می‌کنند، چراکه این افراد، اهل سرگرم شدن نیستند.

□ یعنی رادیو باید کمتر کارکرد